پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۲۳ - ۱۹۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۳۰۷

نظریه مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)

بهزاد مرادیان[۱]
احمد آذین[۲]
مسعود جعفری نژاد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

چکیده

مقاله حاضر با تکیه بر اندیشه سیاسی نظریه مردم‌سالاری دینی، تهیه گردید. که در این رابطه، امام خامنه‌ای مردم‌سالاری دینی را هدیه امام خمینی(ره) دانسته و در مقابل آن دموکراسی یکی از رژیم‌هایی تلقی می‌شد که در تقسیم‌بندی انواع حکومت‌های یونان باستان مطرح بود و در اندیشه غربی‌ها دموکراسی مشارکتی بهترین نوع دموکراسی، مطرح در جهان غرب است، که دیوید هلد در کتاب مدل‌های دمکراسی، به آن پرداخته است. روش اجرای این تحقیق روش «مقایسه‌ای»[۴] بوده و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتاب‌های ارزشمند در این زمینه و مقاله‌های موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی معتبر و نیز منابع و گزارش‌های منتشر شده توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، بوده است. برای تعیین درجه اهمیت و اولویت‌بندی این مقایسه از معیارها و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی برگرفته از اندیشه‌های مقام معظم رهبری با دموکراسی مشارکتی استفاده شده است. تلاش اصلی این پژوهش که هدف اصلی آن تبیین نظریه مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) با دموکراسی مشارکتی بود، واکاوی این مسئله است که مشخص گردد؛ آیا مابین مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشارکتی تفاوت، شباهت و یا تضاد وجود دارد، یا خیر؟ و یا این‌که می‌توان شاخص‌های برتری اندیشه مردم‌سالاری دینی مقام معظم رهبری را نسبت به دموکراسی مشارکتی را برشمرد؟ که در این زمینه، پس از بررسی پژوهشگران مشخص شد، که در نهایت مردم‌سالاری دینی به‌طور کلی، از نظر مبانی و اصول پایه‌ای و محتوایی و با وجود دارا بودن فاکتور ویژه‌ای مانند خدامحوری، در تضاد با دموکراسی مشارکتی که محور اصلی آن بر انسان‌محوری استوار است، می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مقایسه، دموکراسی، مردم‌سالاری‌دینی، دموکراسی مشارکتی، مدل‌های دموکراسی، اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی).

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران. behzadmoradian12@yahoo.com
۲. اساتیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. azin@iaush.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران. masoudjafarinezhad@yahoo.com

۴. روش مقایسه‌ای راهی برای استنباط علمی (توصیفی یا علّی) از طریق مقایسه نظام‌مند تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی و سیاسی با یکدیگر است. لذا روش مقایسه‌ای یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تحقیق در علوم سیاسی به شمار می‌رود، به طوری‌که ارسطو در کتاب «سیاست»، برای تفکیک حکومت‌ها از این روش بهره برده است (منوچهری، ۱۳۹۶: ۲۵۵-۲۵۴).

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۱-۱. مقدمه

با نگاهی به‌غرب و بررسی اندیشه‌های آنان در خصوص نوع حکومت مورد نظر آن‌ها، به این مفهوم خواهیم رسید، که در زمان‌های قدیم، «دموکراسی»[1] یکی از حکومت‌ها و رژیم‌هایی تلقی می‌شد، که در تقسیم‌بندی انواع حکومت‌های یونان باستان مطرح بود. این تقسیم‌بندی عبارت بود از؛ حکومت فردی یا «پادشاهی»[2] یعنی حکومت یک فرد بر کل جامعه، حکومت «آریستوکراسی»[3] که منظور از آن حکومت تعداد کمی از مردم بر تعداد زیادی از مردم بود و حکومت «دموکراسی» یعنی حکومت بسیاری از مردم بر بسیاری از مردم. اما از همان ابتدا، فلاسفه آریستوکرات همچون سقراط و افلاطون و طرفداران حکومت‌های مختلط مانند ارسطو، با بدبینی به دموکراسی می‌نگریستند (Miller, 1987: 116). از طرفی دیگر، نظریه‌پردازانی مطرح در عصر حاضر هستند، که دموکراسی را به‌چالش کشیده‌اند، به‌طور مثال «کارل پوپر»[4] معتقد است؛ دموکراسی هیچ‌گاه حکومت اکثر مردم نبوده است، چراکه دموکراسی‌ها همان نهادهای تجهیز شده هستند، تا خود را از خطر دیکتاتوری محافظت نمایند (لوبوزتی، ۱۳۶۷: ۱۱۸). در این راستا، یکی از نظریه‌پردازان غربی؛ به‌نام «دیوید هلد»[5] به‌صورت مبسوط به‌تشریح انواع دموکراسی‌های موجود در غرب پرداخته است. هلد در کتاب «مدل‌های دموکراسی»[6]، سعی نموده تا با استناد به اسناد تاریخی به‌تبیین یازده مدل دموکراسی در جهان بپردازد. از نظر هلد انواع مدل‌های دمکراسی عبارتنداز؛ «دموکراسی کلاسیک»، «دموکراسی حمایتی»، «دموکراسی تکاملی رادیکال»، «دموکراسی تکاملی»، «دموکراسی مستقیم مارکسیستی»، «دموکراسی نخبه‌گرای رقابتی»، «دموکراسی تکثرگرایانه»، «دموکراسی حقوقی»، «دموکراسی مشارکتی»[7]، «دموکراسی خودمختار» و «دموکراسی فراگیر (جهانی)» (هلد، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۱).

همان‌گونه که مشاهده گردید؛ هلد در نهمین ارائه خود از مدل‌های مختلف دموکراسی، به

1. Democracy
2. Kingdom
3. Aristocracy
4. Carl Popper
5. David Held
6. Models of Democracy
7. Participatory Democracy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

«دموکراسی مشارکتی» اشاره داشته است. الگوها و مدل‌های ارائه شده از دمکراسی توسط دیوید هلد، پیش از هر چیز بیان‌گر این نکته است، که دمکراسی و روش‌های دمکراتیک یکسان نبوده و می‌تواند تجلیات مختلف و متنوعی پیدا کند. اهمیت این بحث هنگامی افزون خواهد شد، که بررسی‌ها نشان دهد؛ در شرایط کنونی جامعه ایران اسلامی با موضوع «مردم‌سالاری دینی»[1] و طراحی مبانی نظری آن، در چالش و تضاد با مدل‌های دموکراسی به ویژه دموکراسی مشارکتی قرار دارد. البته از جهتی دیگر نیز، نویسندگان و اندیشمندان بسیاری، درباره مردم‌سالاری دینی بحث کرده‌اند و هر یک از زاویه‌ای خاص و به اعتباری ویژه، مردم‌سالاری دینی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی با توجه به جلوه‌های ظهور و شاخصه‌های تجلی یافته انواع حکومت‌های مردم‌سالار و بعضی دیگر با توجه به‌تأثیر و نفوذ انواع نظریه‌ها در حکومت‌های مردم‌سالاری دینی، حتی مدل‌سازی نیز نموده‌اند، که در این راستا، بهترین نمونه مطلوب آن‌را «دکتر مهدی سعیدی» در کتابی تحت عنوان؛«مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای» به انجام رسانده، ایشان در این کتاب آورده است؛ «از منظر رهبر انقلاب، حکومت اسلامی و نظام مردم‌سالاری دینی بر سه پایه شکل گرفته و براساس آن، نظام سیاسی مشروعیت می‌یابد: ۱- وجود ویژگی‌ها و صلاحیت‌های دینی مانند؛ فقاهت، عدالت و درایت در حاکم اسلامی. ۲- به‌قدرت رسیدن کارگزاران نظام اسلامی مبتنی بر انتخابات و رضایت مردم. ۳- کارآمدی و توانایی اداره کشور توسط کارگزاران، بعد از انتخاب و کسب قدرت» (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

۱-۲. بیان مسئله

در پژوهش حاضر تلاش بر آن است، تا نشان داده شود، که آیا میان مردم‌سالاری دینی که برگرفته از اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای است، با بهترین دموکراسی موجود در غرب یعنی دموکراسی مشارکتی، تضاد و یا تفاوتی آشکار وجود دارد؟ با این وجود، مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشارکتی دو مؤلفه اصلی موضوع پژوهش پیش‌رو بوده که دغدغه اصلی آن است، در بحث مقایسه آنان، تبیینی مطلوب و صحیح، به انجام برسد. گرچه در عصر حاضر، اصطلاح مردم‌سالاری دینی کاربرد زیادی پیدا کرده، اما این مهم نیز نبایستی نادیده گرفته شود که؛ تاکنون تعریف جامع و مبسوطی از مردم‌سالاری دینی در «علوم سیاسی»[2] صورت نگرفته

1. Religious Democracy
2. Political Sciences

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

است. با این وجود پژوهش‌گران با نگاه بسیط به‌مقوله مردم‌سالاری دینی مد نظر اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، با این پیش‌فرض روبه‌رو هستند، که مردم‌سالاری دینی، جمع و ترکیب مردم–سالاری و دین با یکدیگر نیست، بلکه مردم‌سالاری دینی، یک برداشت از مردم‌سالاری به شمار می‌رود، که با دیگر مردم‌سالاری‌ها، وحدت مفهومی دارد، اما برداشتی متمایز از آن را دارا است. بنابراین برای صورت‌بندی الگوی پیشنهادی و تبیین نظریه امام خامنه‌ای، لازم و ضروری است، که هسته مفهومی مشترک برخی از مردم‌سالاری‌ها مشخص گردد، تا برداشت متفاوت از این مفاهیم نیز چارچوب‌بندی شود، چراکه در این صورت، امکان بسط تئوریک نظریه مردم‌سالاری دینی مد نظر امام خامنه‌ای پدیدار خواهد شد. لذا توجه به–مسائلی از قبیل؛ تبیین شاخص‌های برتری، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و حتی تضادها در مقایسه مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خامنه‌ای نسبت به دموکراسی مشارکتی و حتی مفروضه‌هایی مانند؛ قدرت، عدالت و آزادی مسئله و دغدغه اساسی تحقیق پیش‌رو به‌شمار می‌رود، که بایستی توسط محققین مورد واکاوی دقیق قرار گیرد.

۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

ژرف‌اندیشی درباره معنای مردم در مردم‌سالاری دینی، به این مقوله برمی‌گردد، که چگونه اکثریتی از مردم در یک جامعه اسلامی و متکی به‌چه نوع ارزش‌ها و باورهایی در روابط اجتماعی در یک جامعه لازم است، تا امکان استقرار حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی وجود داشته باشد؟ بحث درباره جایگاه و نقش مردم در تأسیس حکومت و نحوه اداره جامعه، از جمله مباحث مهمی است، که ریشه‌های تاریخی عمیقی در قلمروی سیاست و حکومت در جوامع مختلف دارد. در این میان جریان اندیشه سیاسی غرب با بهره‌مندی از کثرت امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، توانسته دیدگاه خود را بر سایر واحدهای سیاسی تحمیل نماید، به گونه‌ای که اصطلاحات و آموزه‌های غربی در نظام‌های سیاسی مختلف به‌کار گرفته شده است. دموکراسی نیز سرگذشتی این‌چنین دارد و در بسیاری از موارد ملاحظه شده است، که غرب در نظر دارد، آن را به‌عنوان تنها روش حکومتی مطلوب، بر انسان معاصر امروزی تحمیل نماید. به‌طور حتم اهمیت و ضرورت تحقیق پیش‌رو، به‌بررسی مبانی و اصول مردم‌سالاری دینی در دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) به‌عنوان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

نظریه‌پرداز اصلی اندیشه مردم‌سالاری دینی، اشاره دارد، تا ضمن مقایسه این دو مقوله، شباهت–ها، تفاوت‌ها و تضادها این دو اندیشه و حتی شاخص‌هایی مانند؛ قدرت، عدالت و آزادی در هر دو اندیشه مورد مقایسه و واکاوی بسیط قـرار گیـرد.

۱-۴. اهداف تحقیق

۱-۴-۱. هدف اصلی

– تبیین نظریه مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)

۱-۴-۱. اهداف فرعی

۱– مقایسه شاخص «قدرت» در مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) با دموکراسی مشارکتی.

۲– مقایسه شاخص «عدالت» در مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) با دموکراسی مشارکتی.

۳– مقایسه شاخص «آزادی» در مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) نسبت به‌دموکراسی مشارکتی.

۱-۵. روش تحقیق

با توجه به این‌که تحقیق حاضر به بازشناسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری درباره نظریه مردم‌سالاری دینی و مقایسه آن با بهترین دموکراسی مد نظر غرب یعنی دموکراسی مشارکتی می‌پردازد، لذا روش اجرای این تحقیق «مقایسه‌ای» بوده و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتاب‌های ارزشمند در این زمینه و مقاله‌های موجود در فصلنامه‌های علمی– پژوهشی و سایت‌های اینترنتی معتبر و نیز منابع و گزارش‌های منتشر شده توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی بوده است. همچنین برای تعیین درجه اهمیت و اولویت‌بندی این مقایسه از معیارها و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی برگرفته از اندیشه‌های مقام معظم رهبری با دموکراسی مشارکتی استفاده شده است. لذا روش مقایسه‌ای راهی برای استنباط علمی (توصیفی یا علّی) از طریق مقایسه نظام‌مند تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی و سیاسی با یکدیگر است و این روش یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تحقیق در علوم سیاسی به شمار می‌رود که در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

این تحقیق توسط پژوهشگران در راستای واکاوی موضوع مقاله از این روش استفاده و بهره‌برداری گردیده است.

۲. مفاهیم و ادبیات تحقیق

۲-۱. مفاهیم و تعاریف

- مردم‌سالاری دینی:

نخستین‌بار واژه مردم‌سالاری را امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) به‌عنوان سخنی نو و جدید به‌کاربرد. نظر ایشان دراین‌باره این بود که مردم‌سالاری یا همان «مردم‌سالاری دینی» حرف نو و جدید است، که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به‌سوی خود جلب کرده است (مرادیان، ۱۳۹۶: ۳۷).

مردم‌سالاری دینی به‌شیوه نظام‌سازی اسلام شیعه در عرصه سیاست و حکومت نیز اشاره دارد، که مبتنی بر جهانبینی توحیدی و محوریت و مدیریت حاکم الهی بوده و کارآمدترین ساز و کار اداره مادی و معنوی جامعه بر پایه ایدئولوژی اسلامی است (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵).

- دموکراسی:

دموکراسی به‌لحاظ لغوی از دو واژه «دموس»[1] (به‌معنای مردم) و «کراتوس»[2] (به‌معنای حکومت کردن) تشکیل شده است. در واقع مفهوم اصلی آن نوع حکومتی شناخته شده است، که در تعبیری یا حکومت مردم بر مردم به‌وسیله مردم و یا حکومت کردن به‌وسیله مردم را در برمی‌گیرد (آربلاستر، ۱۳۹۲: ۲۹). در تعریفی دیگر؛ دموکراسی حکومت مردم توسط مردم برای مردم، توسط همه و برای همه است (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۲۲۰). از طرفی دیگر، توسط برخی اندیشمندان معاصر تعاریفی محدود از دموکراسی نیز صورت گرفته است و دلیل آن‌ها این بوده است که؛ عموم حکومت‌هایی که دموکراتیک خوانده می‌شوند، با تلقی حکومت مردم از دموکراسی ناسازگار است. به‌طور مثال «دیوید بیتهام»[3] نظریه‌پرداز اجتماعی اهل بریتانیا در کتاب خود به‌نام «دموکراسی و حقوق بشر»[4] در تعریف دموکراسی آورده

1. Demos
2. Kratos
3. David Beetham
4. Democracy and Human Rights

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

است؛«در واقع، دموکراسی را بایستی نظامی تصور کرد، که در انتهای طیفی جای دارد، که آن سوی دیگرش نوعی نظام حکومتی است، که در آن مردم به‌طور کامل از شرکت در فرایند تصمیم‌گیری و هرگونه نظارت بر آن محروم شده‌اند (بیتهام، ۱۳۸۳: ۶۱).

- دموکراسی مشارکتی:

اصطلاح «دموکراسی مشارکتی»[1] در معنای عام آن، برای بسیاری از مدل‌های دموکراتیک از مدل کلاسیک آتن تا بعضی مواضع مارکسیستی به‌کار گرفته شده است. اما در معنای محدودتری دموکراسی مشارکتی، مدل خاصی از دموکراسی است، که به‌دنبال چهارچوبی نظری و نیز ترتیبات نهادی برای مشارکت بیشتر و فعال‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های جمعی است. در این حین، وابستگی دموکراسی لیبرال به-دارایی نابرابر و گرایش تجربه مارکسیستی در مورد دموکراسی مستقیم به‌تمرکز قدرت و «توتالیتاریانیسم»[2]، باعث ظهور نظریه دموکراسی مشارکتی از دهه ۶۰میلادی شد. لیبرال‌هایی که از مسأله به‌حاشیه رفتن مردم و دور شدن آنان از تصمیم‌گیری‌های عمومی ناخرسند بودند، تلاش کردند، تا اندیشه مشارکت فعال را احیاء کنند و در عین حال آزادی را از مناسبات سرمایه‌داری مبتنی بر بازار برهانند. در واقع مارکسیست‌های سرخورده از قربانی آزادی در ازاء برابری نیز به‌تدوین برداشت جدیدی از دموکراسی، یعنی دموکراسی مشارکتی پرداختند، تا اندیشه آزادی و مشارکت را در مردم فراهم آورند. نظریه‌ای که بدین طریق شکل گرفت، الهام یافته از نظریات «جان استوارت میل»[3] در مورد پرورش خویشتن، نظریه دموکراسی مستقیم «ژان ژاک روسو»[4] و دیدگاه «کارل مارکس»[5] در مورد برابری اجتماعی و اقتصادی، بوده است. از طرفی دیگر، این نظریه از سوی برخی مارکسیست‌های معاصر نیز مانند؛ «کارول پیتمن»[6]، «نیکوس پولانزاس»[7] و به‌ویژه «سی.بی.مکفرسون»[8] ارائه گردید (عمادی، ۱۳۹۳: ۴-۳).

1. Participatory Democracy
2. Totalitarianism
3. John Stuart Mill
4. Jean Jacques Rousseau
5. Karl Marx
6. Carole Pateman
7. Nicos Poulantzas
8. Crawford Brough Macpherson

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۲-۲. ادبیات تحقیق

۲-۳. ریشه‌های ظهور و پیدایش مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشارکتی

۲-۳-۱. وقوع انقلاب اسلامی و پیدایش اندیشه مردم‌سالاری دینی

شهید «مرتضی مطهری» انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کند؛ «انقلاب عبارت است، از طغیان و عصیان یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود، برای ایجاد نظمی مطلوب». «ساموئل هانتینگتون»[1] تئوریسین نظریه «برخورد تمدن‌ها»[2] در تعریف انقلاب می‌گوید؛ «انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیادی در ارزش‌ها و باروهای مسلط همراه با خشونت داخلی می‌باشد» (بهرامی و نظرپور، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۵). ارسطو که در واقع یکی بزرگ‌ترین فلاسفه جهان و از بنیان‌گذاران حقیقی مطالعه انقلاب‌ها به شمار می‌رود، معتقد است؛ «هدف انقلاب ممکن است، تغییر سازمان و شکل حکومت، تغییر رهبران حکومت و یا تغییر بخشی از سازمان حکومت باشد» (کوهن، ۱۳۹۶: ۳۰). در سده بیستم دو انقلاب مهم (انقلاب مشروطه ۱۲۸۵هـ‌ش و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷هـ‌ش) در ایران روی داد، که در انقلاب نخست شاهد پیروزی هرچند کوتاه روشنفکران مدرن بودیم. روشنفکرانی که از ایدئوژی‌های مطرح غربی ناسیونالیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم الهام می‌گرفتند و یک قانون اساسی کاملاً غیردینی مدون نمودند و به‌نوسازی جامعه خود، مطابق جامعه اروپایی معاصر امیدوار بودند. اما با ظهور انقلاب دوم، علمای سنتی به‌میان آمدند. علمایی که از دوران طلایی اسلام الهام می‌گرفتند، پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند. لذا در تاریخ معاصر جهان، ظهور انقلاب اسلامی، همواره پدیده بی‌همتا به‌شمار رفته است (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۶۵۳). پس از استقرار انقلاب اسلامی در ایران، هانتینگتون نیز درباره دموکراسی اسلامی(مردم‌سالاری دینی) اظهار داشت؛ «با صراحت می‌توان گفت؛ تساوی طلبی، اراده و اختیار از موضوعات اصلی دموکراسی اسلامی است» (نبوی، ۱۳۸۳: ۲۳۸). با این‌حال با اعلام نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی امام خمینی(ره) به عنوان نظامی که قرار است بر ساختار سیاسی ایران پس از انقلاب حاکم شود، در واقع این دوران سرآغاز ورود به بحث مردم‌سالاری دینی در ایران اسلامی به صورت عملی شد (رهبر و نعیمی، ۱۳۸۷: ۵۲).

1. Samuel P.Hantington
2. The Clash of Civilizations

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۲-۳-۲. نسبت و رابطه مردم‌سالاری دینی با جمهوری اسلامی ایران

در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومتی اسلامی و منسجم و کارآمد، از جمله مصادیق بارز مردم‌سالاری دینی به‌شمار می‌رود، که در این راستا، روش و شکل آن جمهوری و محتوا و ارزش‌های آن نشأت گرفته از دین مبین اسلام بوده و این حکومت دینی، حکومت اسلام است، نه حکومت فردی خاص مانند شاه و یا «الیگارشی»[1](گروه خاص)، بلکه همه نهادهای حکومت با رأی مستقیم و یا غیرمستقیم مردم شکل می‌گیرد و روحانیت نیز در این حکومت دارای طبقه ممتازی نبوده و هر شهروندی می‌تواند، به‌ویژگی علم و عدالت مجهز گردد. از طرفی تخصص و عدالت از ویژگی‌های حاکم دینی محسوب می‌شود و این ویژگی به‌علاوه رأی و نظر مردم، به او مشروعیت کامل می‌بخشد (نبوی، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

به طور واضح‌تر می‌توان گفت؛ با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و با شکل‌گیری حکومت مبتنی بر مذهب شیعه، این فرصت به وجود آمد تا عموماً از نگاه شیعی به موضوع مردم‌سالاری دینی نگریسته شود و تمام تلاش‌ها در جهت نظریه‌پردازی به منظور تبیین جایگاه دین و مردم حول محور مردم‌سالاری دینی، در قالب الگوی ناب حکومت دینی مبتنی بر مذهب شیعه، در عضر غیبت امام عصر(عج) در حال شکل‌گیری بود (قوی، ۱۳۹۴: ۹۴۸).

۳-۳-۲. نسبت و رابطه اندیشه مردم‌سالاری دینی با قرآن کریم

مسئله جدایی دین از سیاست از مسائل ریشه‌دار در تاریخ بشری است. لذا به‌نظر می‌رسد، که در بینش توحیدی قرآن کریم و دین مبین اسلام، چنین تنگنایی که غربی‌ها درباره دین و سیاست با آن روبه رو شدند، وجود ندارد، چرا که اسلام به‌جهت بینش توحیدی کل‌نگرانه‌ای که دارد، هیچ بخشی را از دایره آموزه‌های دینی بیرون نمی‌داند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵)

خداوند در قرآن کریم درباره نقش و جایگاه پیامبران به‌عنوان نمایندگان خود در زمین می‌فرمایند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَـتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَـبَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». ما پیامبران خود را با دلایل روشن به‌سوی مردم فرستادیم و همراه آنان کتاب و میزان فرو فرستادیم، تا این که مردم عدل و قسط را خود (بر پایه آموزه‌ها و دستورهای فرو فرستاده شده) به پا دارند.» (سوره حدید، آیه۲۵) این آیه شریفه اشاره دارد به این که خداوند متعال به‌منظور برقراری عدالت در جامعه انسانی و به دنبال آن برقراری مردم‌سالاری دینی، قوانینی

1. Oligarchy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

وضع کرده و آن‌ها را به‌وسیله پیامبران به‌شکل کتاب‌های آسمانی و قوانین الهی بیان نموده، تا پیامبران به‌مردم بیاموزند، چگونه می‌توانند از ابزارهای موجود دنیوی برای ساخت دنیایی آباد اقدام کنند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۷).

از نمونه‌های صریح تأکید آیات قرآنی بر نقش وسیع مسلمانان در امور سیاسی، توجه به این آیه است: «یا اَیها النَّبی حَسْبُکَ اللهُ وَ مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ- ای پیامبر، خداوند و آن دسته از مؤمنین که پیروی کردند، برای تو کافی است.». (سوره انفال، آیه۶۴) لذا در قرآن کریم، به‌وضوح نقش وسیع و فراگیر مسلمانانی که در مسیر تحقق موازین دینی عمل می‌کنند، مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است. همچنین در این-باره آیه شریفه: «وَأَمْرُهُمْ شُورى بَینَهُمْ- و کارشان مشورت است میان ایشان.» (سوره شوری، آیه۳۸)، حق مشارکت عمومی مسلمانان عامل به موازین اسلامی را، به‌رسمیت می‌شناسد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۹).

لذا در تحلیلی وثیق می‌توان گفت؛ مردم‌سالاری دینی دارای سه مشخصه و پایه بنیادین است که عبارتنداز؛ خردورزی، قانون‌مداری و عدالت‌محوری. اساساً مردم‌سالاری یعنی اعتقاد به حاکمیت قوانین بشری توسط اراده جمعی و باور داشتن به این‌که عقل جمعی قادر به تشخیص حق از باطل و خیر از شر است و لذا تلقی دینی و اسلامی بشر در حوزه قانون‌گذاری، بایستی تابع شریعت آسمانی باشد و یگانه قانون‌گذار هستی خداوند متعال است. پس در اندیشه اسلامی انسان نیازمند هدایت عقل قدسی و پیشوای معصوم(ع) است و فسلفه ظهور انبیاء و دعوت دینی آنان نیز از همین امر ناشی می‌شده است (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

۴-۳-۲. شرایط پیاده‌سازی و استقرار نظام سیاسی دموکراتیک

«کارل کوهن»[1] در کتاب «دموکراسی» در باب دموکراسی بر این باور است که؛ «دموکراسی، حکومت به‌وسیله مردم است، اما مردم حکومت نمی‌کنند، بلکه بر آن‌ها حکومت می‌شود» (کوهن، ۱۳۷۳: ۳) همچنین «برینگتون مور»[2] نویسنده کتاب «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی»[3]، تحلیلی جامعه‌محور و کلان را در خصوص چگونگی پیدایش دموکراسی و نقش طبقات اجتماعی را در درازمدت بر روی آن مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار داده است. او معتقد بود، یکی از راه‌های گذار از جامعه سنتی به‌جهان مدرن، وقوع انقلاب‌های

1. Karel Kohen
2. Barrington Moore
3. The Social Origings of Dictatorship and Democracy

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

دموکراتیک بود، که به‌ظهور دموکراسی انجامید. از نظر مور انگلستان، فرانسه و آمریکا به‌خاطر پیمودن راه گذار دموکراتیکی از دوران قدیم به عصر مدرن و غلبه بورژوازی مدرن بر نظم قدیم، در رسیدن به‌پایه‌های دموکراسی، تسریع به‌عمل آوردند. به‌نظر برینگتون مور برقراری نوعی تعادل میان قدرت دربار و قدرت طبقه اشراف در اوایل عصر جدید، شرایط اصلی و اولیه ایجاد زمینه اجتماعی، برای ظهور دموکراسی بود (بشیریه، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۰).

تعاریف و تلقی‌های گوناگون دیگری از انواع دسته‌بندی‌ها درباره دموکراسی وجود دارد، مانند تعریف ارسطو که معتقد است؛ نظامی که به‌همگان اجازه شرکت در مسائل سیاسی و اجتماعی می‌دهد، نظامی است بر پایه حکومت دمکراتیک و این نظام در مقابل نظام «اولیگارشی»[1] قرار می‌گیرد، که اجازه شرکت به‌همگان نمی‌دهد. «جان لاک»[2] نیز در این‌باره گفته است؛ اگر کل قدرت جامعه به‌صورت طبیعی در اختیار اکثریت برای قانون‌گذاری و انتخاب صاحب‌منصبان به‌کار گرفته شود، این حکومت یک دموکراسی کامل و تمام‌عیار است (خرمشاد و امینی، ۱۳۹۶: ۶۴) «مارتین لیپست»[3] از نخستین اندیشمندانی بود که تلاش نمود، تا معیارهای سنجش مشخصی را برای استقرار نظام سیاسی دموکراتیک بنیان نهد. وی در کتاب «انسان سیاسی»[4] با تحلیل رابطه بین شرایط اقتصادی و دموکراسی، کشورها را بر مبنای منطقه جغرافیایی طبقه-بندی نمود. او کشورهای اروپایی را به دو دسته «دموکراسی‌های با ثبات» و «دیکتاتوری‌ها و دموکراسی‌های بی‌ثبات» تقسیم کرد. لیپست این طبقه‌بندی را بر مبنای تعریف خود از دموکراسی و معیارهای سنجش آن استوار کرد. وی سه شرط را برای تحقق دموکراسی لازم می‌دانست؛ (۱) مجموعه‌ای از باورها درباره این‌که چه چیزی مشروع است، (۲) مجموعه‌ای از رهبران سیاسی، (۳) وجود اپوزیسیون سیاسی (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۲). انتخاب منظم رهبران دموکراسی برای پیاده‌سازی آن در طی یک فرآیند رقابتی و حق رأی گسترده شهروندان، ضروری است و فقدان هر یک از این عناصر باعث می‌شود، که نظام سیاسی را غیردموکراتیک بنامیم (Lipset, 1960: 45).

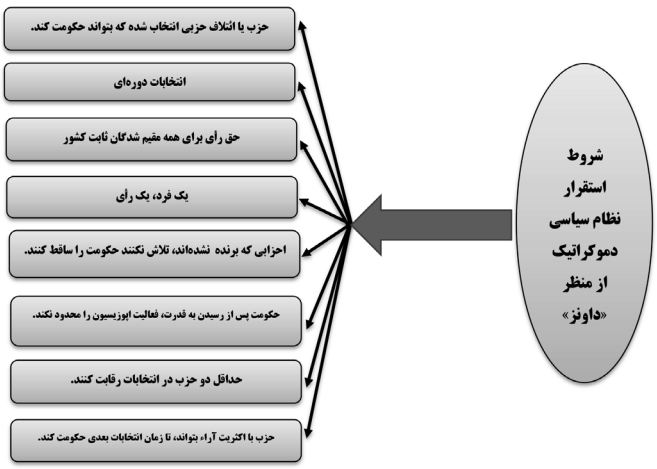
اما دیدگاه «رابرت دال»[5] کمی متفاوت‌تر بود. دال در کتاب معروف و مؤثرش تحت

1. Oligarchy
2. John Locke
3. Martin Lipset
4. Political Man
5. Robert Dahl

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

عنوان «دموکراسی و منتقدانش»[1] برای سنجش نظام‌های دموکراتیک پنج شرط را ارائه نمود؛ ۱) برابری رأی، ۲) مشارکت مؤثر، ۳) درک و فهم روشنگرانه، ۴) کنترل برنامه و ۵) دستور کار سیاسی و شمول و در برگیرندگی (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۳). رابرت دال نزدیک‌ترین مفهوم به‌چنین ایده‌ای را «پولیارشی»[2] نامید. او تلاش کرد تا در کنار این معیارها که به‌طور اساسی ذهنی بودند، ملاک‌های عینی مشخصی را نیز وضع نماید. رابرت دال مفهوم پولیارشی را برای توصیف نظام‌های عمده دموکراتیک معاصر، رایج ساخت. از نظر او پولیارشی منجر به‌تعدد نخبگان حاکم، حد مطلوب مشارکت و در نهایت، رقابت سیاسی خواهد شد (راد و هژار، ۱۳۹۶: ۲۸). لذا با توجه به این که همواره صحنه نبرد میان آن دسته از نظام‌های سیاسی است، که مدعی داشتن یک هستی‌شناسی سیاسی به‌نام دموکراسی هستند، برخی از این نظام‌ها، قالبی از دموکراسی را برای خود در نظر گرفته‌اند، که محتوای خاص و مورد نظر خود را در درون آن قرار دهند. در این راستا، نظریه‌پردازای مانند؛ «داونز»[3] در دهه ۱۹۶۰ ملاک‌هایی را برای سنجش دموکراسی ارائه نمود. داونز در کتاب «یک نظریه اقتصاد سیاسی»[4] هشت شرط را برای استقرار نظام دموکراتیک مطرح نمود (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۲)(شکل شماره ۱):



شکل شماره۱: شروط استقرار نظام سیاسی دموکراتیک از منظر «داونز»(بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۳)

1. Democracy and Its Critics
2. Polyarchy
3. Downs
4. An Ecocomic Theory of Democracy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۵-۳-۲. ریشه‌های فکری شکل‌گیری اندیشه سیاسی «دموکراسی مشارکتی»

نظریه سیاسی دموکراسی مشارکتی، قطب مخالف «کاتالاکسی»[1] است. در واقع این نظریه خود را علیه تمام گونه‌های لیبرال دموکراسی قرار می‌دهد، که سیاست فعال را قلمرو حکومت و رهبران گروه‌های ذینفع در نظر می‌گیرد. دموکرات‌های دموکراسی مشارکتی اقداماتی از قبیل؛ از بین بردن بی‌علاقگی و به‌حداکثر رساندن فعالیت شهروندان را وظیفه اصلی دموکرات‌ها دانسته و انسجام را به‌مثابه یک مزیت اصلی دموکراسی در نظر می‌گیرند. این دموکراسی نه‌تنها از نظر مفهومی با کاتالاکسی و نخبه‌گرایی دموکراتیک در تضاد است، حتی همواره دشمن تاریخی آن‌ها نیز بوده و در برخی مواقع در برابر آنان قامت راست نموده و شیوه‌های آنان را زیر سؤال می‌برد (کانینگهام، ۱۳۹۷: ۲۱۵). «یورگن هابرماس»[2] متفکر معاصر آلمانی که در دوران حیات خود ظهور و سقوط نازیسم را تجربه نموده بود و از طرفی نیز در یک برهه زمانی هدایت و رهبری مکتب فرانکفورت را نیز برعهده داشت، در راستای دفاع از عقلانیت روشنگری و آرمانی و بازیابی توان رهایی‌بخشی نظریه انتقادی به بازسازی نظریه انتقادی و نظریه عقلانی شدن «ماکس وبر»[3] پرداخت. او علیرغم نقد مدرنیته، پیشرفت و رشد تکنولوژی را نه به‌عنوان سدی بر سر راه رهایی انسان، بلکه به‌عنوان عنصری ضروری می‌داند. به اعتقاد هابرماس آن‌چه که زمینه‌ساز معضلات عصر مدرن شده، فرآیند مدرنیزاسیون نبوده است، بلکه شکل و نحوه سرمایه‌دارانه این فرآیند بوده است. در نهایت هابرماس پس از ارائه آراء خود در باب عقلانیت روشن‌گری و پدیده مدرنیته، به‌طرح مدل خود از دموکراسی با عنوان دموکراسی مشارکتی اقدام نمود (نوذری و ایمانی، ۱۳۹۷: ۲۲۲).

نظریه دموکراسی مشارکتی، یک مدل ایدآل از دموکراسی است، که در آن صلاحیت اعمال قدرت، تنها برخواسته از تصمیمات جمعی افراد جامعه است (Cohen, 1996: 407). در واقع، دموکراسی مشارکتی، که پیشرفته‌تر از دموکراسی‌های مطرح شده قبل از خود به شمار می‌رود، تلاش دارد، با وجود نزدیکی بسیاری که با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی دارد، نواقص آن‌را برطرف نماید و برنامه‌ای کامل‌تر برای ارتقاء حیات مادی انسان به ارمغان آورد. دموکراسی مشارکتی درصدد است، تا با همنشین ساختن عدالت و آزادی، الگویی نو از نظام

1. Catallaxy
2. Urgen Habermas
3. Max Weber

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

سیاسی لیبرال، ترسیم نماید. لذا دموکراسی مشارکتی، اگرچه از نیمه دوم قرن بیستم به این‌سو، اندک اندک نظم و انسجام یافت، اما هنوز در حوزه نظر، ساماندهی و انسجام درونی لازم و ضروری خود را پیدا نکرده است (میراحمدی، ۱۳۹۳: ۱۳). نظریه دموکراسی مشارکتی با گذر از عقلانیت فردی «ایمانوئل کانت»[1] و عقلانیت ابزاری ماکس وبر، ایده عقلانیت ارتباطی را مطرح می‌نماید و این نوع عقلانیت که حاصل آن کنش ارتباطی است، رکن اصلی دموکراسی مشارکتی محسوب می‌گردد (Rawls, 1972: 416).

۴-۲. مقایسه تضادها و تفاوت‌های موجود بین گفتمان مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشارکتی

بر اساس بررسی‌های تاریخی ژرف و عمیقی که تا به امروز صورت پذیرفته است، بسیاری از اندیشمندان بر این باور هستند، که نمی‌توان نقطه اشتراکی در مبانی بنیادین معرفتی، میان اندیشه غرب و جهان‌بینی اسلامی، پیدا نمود و حتی نمی‌توان فصل مشترکی میان این دو گفتمان فکری متفاوت، دریافت کرد. هرچند ممکن است، در سطوح نزدیک به‌واقعیت، مفاهیمی را ملاحظه نمود، که میان اسلام و غرب دارای اشتراک باشند، اما در سطوح انتزاعی و پارادایمی، شاهد چالش‌های لاینحلی هستیم. علت این امر این است که چارچوب‌های متفاوت، ارائه کننده مفاهیمی متمایز و گوناگون هستند، که از داده‌های یکسان، تحلیل‌های متفاوتی را ارائه می‌کنند. این چارچوب‌های معرفتی که به‌طور عمده دارای مفاهیم هستی‌شناختی بوده، تا آن‌جا است، که حتی اگر مفاهیم الهی را در چارچوب مادی، مورد ارزیابی قرار دهیم، خروجی کار چیزی جز استنباط «سکولار»[2] از مفاهیم الهی نخواهد بود. به‌طور مثال یکی از مفاهیم بنیادی در اسلامی مفهوم آزادی است و بر حسب اتفاق، یکی از مفاهیمی که در حقوق بشر و دموکراسی مدرن غربی، بر آن تأکید می‌شود، نیز همین مفهوم است. اما آزادی در این دو اندیشه فکری، دارای مفاهیم متفاوتی است و علت این تفاوت نیز در چشم‌اندازها و چارچوب‌ها مستتر است (ایمان و کلاتی‌ساداتی، ۱۳۹۳: ۳۴). لذا چنان‌چه

1. Immanuel Kant

۲. سکولاریسم و تفکر «سکولار-Secular» عقیده‌ای است، مبنی بر جداانگاری دین از سیاست. یعنی در این نحله فکری اصل بر این است که؛ نهادهای حکومتی و کسانی‌که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی جدا شوند. این تفکر، ریشه در عصر روشن‌گری در اروپا دارد و مفاهیمی مانند؛ «جدایی دین از سیاست»، «جدایی کلیسا و حکومت در آمریکا» و «لائیسیته در فرانسه» بر پایه سکولاریسم بنا شده‌اند. این واژه برای نخستین‌بار توسط «جورج هالی اوک» در سال ۱۸۳۶میلادی استفاده شد. به‌نظر سکولاریست‌ها بهتر است، سیاست‌مداران و دولت‌مردان برای تصمیم‌گیری، به‌جای دلایل مذهبی، از دلایل سکولار استفاده نمایند (Feldman, 2005: 147-148).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

دین را در معنی عام و نهایی آن، در مفهوم اسلامی مستتر بدانیم و تفکر سکولار را هر چیزی جز تفکر اسلامی اطلاق نماییم، بایستی اذعان داشت، که تفکر اسلامی به طور اساسی با تفکر سکولار هیچ شباهتی ندارد، بلکه در تضاد با یکدیگر نیز هستند. در یک اجماع کلی مبانی غربی در تضاد با اندیشه اسلامی بوده، چراکه آیین اسلام یک جهان‌بینی تمام‌نگر و کامل است، که از طریق فرآیند کنش مبتنی بر توافق عام، با تأکید بر محوریت دانش در بنیاد جهان و نظام‌های موجود، در آن سرچشمه می‌گیرد (Choudhury, 1995: 79). از منظری دیگر و در تحلیل‌های مربوط به‌مردم‌سالاری، برخی نظریه‌پردازان سیاسی، به‌تعداد و دفعات برگزاری انتخابات در یک واحد سیاسی نیز اشاره نموده و از میزان رجوع نظام سیاسی به آرای عمومی، به‌قوت و یا ضعف مردم‌سالاری در آن نظام، پی می‌برند. حال آن که، مردم‌سالاری دینی، آن‌گونه که در کلام و اندیشه امام خامنه‌ای، مورد توجه قرار گرفته، چیزی فراتر از برگزاری انتخابات است و نگاه ویژه‌ای به‌تحقق خواست واقعی مردم، دارد. به‌عبارت دیگر، از منظر معظم‌له مردم‌سالاری دینی دارای دو بعد است؛ اول) بُعد تأسیسی: بدین معنا که مردم با حضور در صحنه و در کنار صندوق‌های رأی، در بنای نظام سیاسی و تعیین افرادی که بایستی مناصب و مسئولیت‌ها را عهده‌دار گردند، سهیم شده و در رابطه با شکل‌دهی به امور اجرایی، مشارکت فعال می‌جویند. دوم) بُعد تحلیلی: بدین معنا که بین نظام سیاسی تأسیس شده و مردم، نوعی ارتباط معنوی برقرار باشد، که مردم، مجریان و نظام حاکم را تحقق‌بخش خواست‌ها، آرمان‌ها و اهداف عالی خویش ببینند. از طرفی دیگر، ضرورت توجه به‌برتری پارادایم اسلامی با رویکرد مردم‌سالاری، نسبت به‌گفتمان غربی با رویکرد دموکراسی بایستی با دلایلی محکم و استوار همراه باشد، که پذیرش آن ضمن عقلانی بودن و در بر داشتن معرفت‌های علمی، متکی بر فلسفه اسلامی نیز باشد (ایمان و کلاتی‌ساداتی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰).

۱-۴-۲. مقایسه مؤلفه «قدرت» در گفتمان مردم‌سالاری دینی و گفتمان دموکراسی مشارکتی

در مفهوم پارادایمی مردم‌سالاری دینی، اعتباری بودن قدرت، یک موضوع مبنایی است. از آن‌جایی‌که قدرت در هر شکل و نوع آن، متعلق به‌ذات باری‌تعالی است، مردم‌سالاری دینی مبنایی را پی‌ریـزی‌می‌کند، که فرصت برای ایجاد دیکتاتوری یا الیگارشی فراهم نشود. چراکه هیچ فرد یا گروهی به‌هیچ وجه حق اعمال قدرت خارج از چارچوب‌های شریعت بر سایر

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

افراد را ندارند. در این نظام فکری، افرادی با ویژگی‌های خاص حق حاکمیت و قدرت پیدا می‌کنند، که در صورت تحقق آن می‌توان گفت احتمال خطا و انحراف در قدرت سیاسی در مردم‌سالاری دینی نسبت به‌سایر دیدگاه‌ها کمتر و به‌حداقل ممکن می‌رسد. به‌طور طبع، میزان خطای به‌وجود آمده ناشی از معصوم نبودن انسان است. از سوی دیگر، مردم‌سالاری اسلامی مبنای رابطه‌مدار را پی‌ریزی کرده است، که در آن تعامل باز اندیشانه استعلایی، اساس تفکر و عمل فرد در هر موقعیتی است. لذا این تعامل بازاندیشانه در هر لحظه‌ای به‌تعالی انسان و جامعه می‌انجامد، به‌شرطی که انسان بین خود و خداوند، خود و جامعه، خود و خویشتن، بر اساس مبانی شریعت، تعامل بازاندیشانه‌ای داشته باشد. از طرفی دیگر مردم‌سالاری اسلامی تمایزات جدی رایج در قدرت با اندیشه سکولار دارد. لذا حاکم بودن ارزش‌های الهی و اصالت خلاقیت و عقلانیت انسانی، به‌طور همزمان، توجه به‌کیفیت مشارکت در نظلم سیاسی، اعتباری بودن قدرت، نقش تسهیل‌گرانه نخبگان و در نهایت اصالت رابطه بازاندیشانه میان عناصری از مبانی بنیادین در مردم‌سالاری اسلامی به‌شمار می‌روند. لذا آن‌چه اهمیت دارد، این است که اندیشمندان مسلمان بایستی روی گزارهای مختلف ارزش شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، تمرکز نمایند، تا بتوانند جوانب مختلف پارادایم مردم‌سالاری اسلامی را شفاف کنند. لذا بهتر است اشاره گردد، که پارادایم اسلام، پارادایمی وحدانی است، که بایستی با عناصر و مختصات دقیق مورد شناسایی قرار گیرد، چراکه این پارادایم هویتی منحصر به‌فرد است، که در مقابل پارادایم‌های مختلف سکولار، مارکسیسم، فمینیسم، اثبات‌گرایی و... قرار گرفته است (ایمان و کلاتی‌ساداتی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۷).

۲-۴-۲. مقایسه مؤلفه «عدالت» در گفتمان مردم‌سالاری دینی و گفتمان دموکراسی مشارکتی

در مقایسه دیگر در این بحث می‌توان به‌مفهوم «عدالت» اشاره نمود. به‌طورکلی و پس از کندوکاو عمیق در مردم‌سالاری دینی می‌توان به این نتیجه رسید که عدالت در این اندیشه به‌دنبال مؤلفه‌های ذیل است:(عیوضی، ۱۳۸۹: ۳۰۱)

- ✓ عمومیت بخشیدن و نهادینه شدن عدالت
- ✓ عدالت به‌عنوان بهترین و کارآمدترین روش در جهت تمرکززدایی از منبع و منشأ قدرت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

✓ عدالت به‌عنوان روش توزیع برابر فرصت، ظرفیت‌های مالی، فنی، مالی، معرفتی، حقوقی و...

✓ عدالت روش کارآمد در تولید و توزیع، متناسب و متوازن داده‌های علمی و معرفتی انسان

✓ عدالت اسبابی برای رشد و تکامل جامعه بوده که نتیجه عینی و تجربی آن توسعه همه جانبه و پایدار جامعه بشری است.

✓ به‌بار نشستن درخت آزادی، ثمره توسعه همه جانبه عدالت در سطح وسیع خواهد بود.

از سوی دیگر در دموکراسی مورد نظر غرب، در بحث دستیابی به‌عدالت به این موضوع پرداخته می‌شود، که اجرای موفقیت‌آمیز عدالت، بیش از هر چیز دیگر، به اوضاع و احوال مادی خاصی نیازمند است، تا مشارکت همگانی را عملی سازد. لذا در این نظریه، توجه ویژه به‌شرایط مادی و اقتصادی برای توسعه و تعالی بشر، بسیار مهم و اساسی به‌شمار می‌رود. در همین راستا «کارل کوهن»[1] نویسنده کتاب «دموکراسی» در مورد تأثیر شرایط اقتصادی برای پیاده‌سازی دموکراسی، سه مسئله اساسی را مطرح نموده است، که عبارتنداز؛(شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۵۹)

الف- وجود رفاه اقتصادی

ب- دموکراسی اقتصادی به‌عنوان شرط هرگونه دموکراسی راستین

پ- برابری و عدالت اقتصادی

با این‌حال، کوهن از یک سو برابری مطلق اقتصادی را به‌هیچ وجه شرط لازم و کافی اجرای عدالت در دموکراسی نمی‌داند و از سوی دیگر معتقد است، که نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فاحش اقتصادی، اوضاع را برای پیاده‌سازی دموکراسی نامساعد می‌کنند. البته به‌زعم نظریه‌پردازان غربی، نقطه پیوند مابین دموکراسی و اقتصاد، همواره الغای بی‌عدالتی و نابرابری بوده است. «جان راولز»[2] مؤلف کتاب «نظریه عدالت» معتقد است، که جامعه عادلانه در دموکراسی بایستی شهروندان را به‌توافقی در مورد توزیع عادلانه جلب نماید. بر اساس تئوری این نظریه‌پرداز، در جوامع دموکراتیک مبتنی بر دموکراسی غربی، برای برقراری عدالت، منابع اولیه بایستی به‌گونه‌ای توزیع شوند، که در دسترس همگان و عموم قرار گیرد و همگان به‌طور یکسان و برابر، در حداقل‌هایی از زندگی، معیشت، مسکن، امکانات و درآمد دسترسی داشته باشند، تا امکان حضور در فرآیند سیاسی را پیدا کنند (شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰)

1. Carl Cohen
2. John Rawls

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۳-۴-۲. مقایسه مؤلفه «آزادی» در گفتمان مردم‌سالاری دینی و گفتمان موکراسی مشارکتی

هنگامی‌که در مردم‌سالاری دینی از آزادی انسان سخن به‌میان آورده می‌شود، در یک نگاه کلی دو معنا در ذهن انسان خطور می‌کند؛ یکی به‌معنای اختیار است، که انسان‌ها به‌صرف انسان بودن، واجد آن هستند و نمی‌توان انسانی را فرض نمود، که واجد این آزادی نباشد و دیگری آزادی به‌معنای حق عمل اجتماعی که در چارچوب زندگی اجتماعی و سیاسی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بدیهی است که در زندگی اجتماعی نوع دوم آزادی مدنظر است. اما با وجود این، هنگامی‌که در اسلام و در واقع در مردم‌سالاری دینی به‌مفهوم آزادی توجه می‌کنیم، آزادی با هر دو مفهوم آن‌را می‌یابیم. در نوع اول توجه انسانی به امری است، که به‌رابطه انسان و خداوند و تکالیفی که خداوند از انسان می‌خواهد، مربوط می‌شود. در آزادی اجتماعی نیز اسلام به آزادی عقیده، آزادی بیان و سایر اقسام آن، توجه داشته است. به‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری معتقد است؛ به‌دلیل همین آزادیی‌ها بود که اسلام توانست باقی بماند. ایشان در این‌باره تأکید می‌نماید، که آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

در مقابل در اندیشه سیاسی؛ دموکراسی مشارکتی یا چپ جدید، مقوله آزادی را بخشی از ساز و کار طبیعی و بیرون وجه اجتماعی انسان به‌حساب می‌آورد و توجه به آن‌ها را تضمینی برای رشد و شکوفایی خرد آدمی می‌داند. «یورگن هابرماس»[1] و «نیکوس پولانزاس»[2] بر این باور بودند» (قادری، ۱۳۷۹: ۵۳) اما دیدگاه رابرت دال کمی متفاوت‌تر بود. دال در کتاب معروفش تحت عنوان «دموکراسی و منتقدانش»[3] برای سنجش نظام‌های دموکراتیک و به تبع آن آزادی، پنج شرط زیر را ارائه نمود:(بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۳)

- ✓ برابری رأی
- ✓ مشارکت مؤثر
- ✓ درک و فهم روشنگرانه
- ✓ کنترل برنامه و دستور کار سیاسی
- ✓ شمول و در برگیرندگی

1. Urgen Habermas
2. Nicos Poulantzas
3. Democracy and Its Critics

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

رابرت دال نزدیک‌ترین مفهوم به‌چنین ایده‌ای را «پولیارشی»[1] نامید. او تلاش نمود تا در کنار این معیارها که به‌طور اساسی ذهنی بودند، ملاک‌های عینی مشخصی را نیز وضع نماید. برای مثال، او درک و فهم روشنگرانه را مستلزم داشتن اطلاعات و آزادی بیان و مشارکت را مستلزم وجود استقلال و خودمختاری انجمنی می‌دانست. دال معتقد بود که این ملاک‌ها را بایستی بر مبنای حقوق موجود و واقعی شهروندان در بحث آزادی سنجید و نه آن چیزی که فقط در سطح نوشته باشد و روی کاغذ آمده است (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۷۴).

«جان استوارت میل»[2] اندیشمند مطرح انگلیسی نیز، در اثر کلاسیک خود به‌نام؛ «درباره آزادی» که آن‌را در سال ۱۸۵۹میلادی منتشر نمود، این تذکر را به‌صراحت بیان داشته است، که هرچقدر کشورها دموکراتیک‌تر می‌شوند، مردم کم‌کم به این فکر می‌افتند، که اهمیتی که به‌محدود کردن قدرت دولت می–دادند، بیش از اندازه بوده است و این مسئله صرفاً واکنشی بوده است، در مقابل حاکمانی که منافعشان در تضاد با منافع مردم قرار داشته است. لذا هنگامی‌که مردم در یک کشور متصدی امور می‌شوند، دیگر احتیاط لازم نیست. پس موضوع دموکراسی محدود کردن قدرت نیست، بلکه توجه به انباشتگی قدرت و نحوه استفاده صحیح از آن است، به‌همین خاطر بسیاری از لیبرال‌های قرن هیجده و نوزده، دموکراسی را نیرویی می‌دانستند، که می‌تواند آزادی را تضعیف کند. از طرفی دیگر، یک دولت هنگامی‌که دموکراتیک می‌شود فکر می‌کند، خودمختاری مطلق دارد و این می‌تواند، به‌تمرکز قدرت منجر شود. تمرکز قدرتی که اغلب با ابزارهای فراقانونی، صورت می‌گیرد و به‌طور حتم، نتایج تلخی به‌دنبال دارد و در نهایت آن‌چه حاصل می‌شود، شبیه دیکتاتوری است و فقط مشروعیت آن کمی بیشتر است (زکریا، ۱۳۸۷: ۱۲۲–۱۱۷).

۳- یافته‌های تحقیق درباره مقایسه دو نظریه سیاسی مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشارکتی

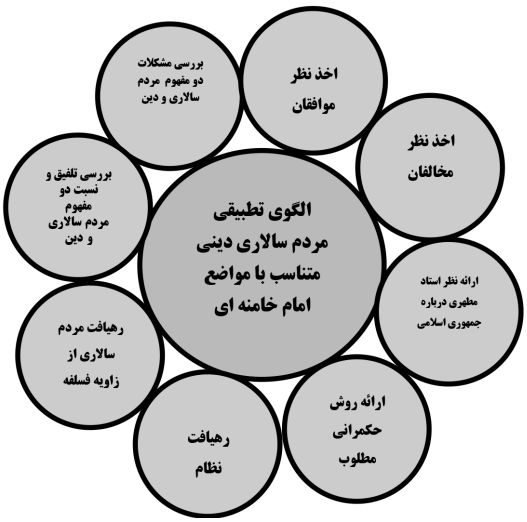
با در نظر گرفتن آراء و نظرات منسجم دور و نزدیک، در یک تقسیم‌بندی متناسب با مواضع و اندیشه‌های امام خامنه‌ای درباره مردم‌سالاری، مردم‌سالاری دینی را می‌توان ذیل دو الگوی کلان و انسجام یافته بحث کرد، که عبارت هستند از؛ الگوی تطبیقی مردم‌سالاری

1. Polyarchy
2. John Stuart Mill

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

دینی و الگوی بسیط مردم‌سالاری دینی. در این راستا، کشف و استخراج ویژگی‌های الگوی تطبیقی مردم‌سالاری دینی متناسب با مواضع حضرت امام خامنه‌ای، یکی از اقدامات اساسی به‌شمار می‌رود که نظریه‌پرداز سیاسی، جدایی از هرگونه نگاه یک‌سویه و برای دستیابی به نتایج مطلوب، مؤظف به استخراج و دست‌بندی آن‌ها می‌شود (شکل شماره ۲):



شکل شماره۲: استخراج ویژگی‌های الگوی تطبیقی مردم‌سالاری دینی متناسب با مواضع حضرت امام خامنه‌ای(منبع؛ مؤلفین)

از منظر امام خامنه‌ای به عنوان یک متفکر و اندیشمند اسلامی، حکومت اسلامی در امر اداره جامعه، روش خاص خود را دارد و چنان نیست که بتواند با به‌کارگیری روش‌های غربی به اهداف خود نایل آید. علت این امر در ارزش‌مدار بودن روش‌ها در نظریه مردم‌سالاری اسلامی است. این روش در عین مخالفت با دموکراسی‌های مد نظر غرب، با استبداد و دیکتاتوری نیز تضاد دارد. لذا امام خامنه‌ای از این روشِ برتر و نوین، که از آن به مردم‌سالاری اسلامی تعبیر نموده‌اند، تأکید داشته‌اند این نظریه روشی تازه، نو و بدیع بوده که می‌تواند در تحلیل نظام‌های سیاسی حال حاضر، به‌عنوان یک روش کارآمد، مورد توجه قرار گیرد. از منظری دیگر، فردگرایی جزء خصیصه‌های غیرقابل انکار اندیشه غربی، به شمار می‌رود. لذا مبانی دموکراسی غربی و حتی بهترین آن‌ها مانند دموکراسی مشارکتی، در عمل یا قابلیت اجرا ندارد و یا این که در بسیاری از موارد، با چالش‌های پارادایمی روبرو است، در مقابل آیین اسلام یک جهان‌بینی تمام‌نگر و کامل است.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

از طرفی دیگر در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، مردم سالاری دینی هیچ ارتباطی با غرب ندارد و مفهومی مستقل می‌باشد. به طوری که ایشان بارها در این‌باره فرموده‌اند مردم سالاری اسلامی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق بکنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم، نه خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد یک سر مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رای مردم صورت بگیرد، یعنی مردم نظام را انتخاب می کنند، سر دیگر قضیه مردم سالاری این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آن‌ها وظایف جدی و حقیقی داریم. امروز مردم سالاری اسلامی که ما در کشور خود مطرح می–کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این که ما شاخه‌ای از مردم سالاری را داریم ارائه می‌دهیم، خیر در واقع ما داریم در مردم سالاری دنیا شبهه می‌کنیم.

لذا مردم‌سالاری دینی، از منظر مکتب اسلام اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیا است، که در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزهای نبوی و علوی، روییده و بر آن است، تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومت استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمیز دهد، لذا برای این منظور در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است. در این راستا، حضرت امام خامنه‌ای از این روش حکومتی به‌مردم‌سالاری دینی تعبیر نموده‌اند. لذا این‌گونه از مردم‌سالاری که با ارزش‌محوری و خدامحوری، عجین می‌باشد، پشتوانه عظیم برای حکومت اسلامی به شمار می‌آید، که امکان رفع کلیه مشکلات و کاستی‌ها را در راستای تحقق یک جامعه اسلامی اصیل می‌داند. لذا از منظری دیگر و در تحلیل‌های مربوط به‌مردم‌سالاری، برخی نظریه‌پردازان سیاسی، به‌تعداد و دفعات برگزاری انتخابات در یک واحد سیاسی نیز اشاره می‌شود و از میزان رجوع نظام سیاسی به آرای عمومی، به قوت و یا ضعف مردم–سالاری در آن نظام، پی می‌برند. حال آن که، مردم‌سالاری دینی، آن‌گونه که در کلام رهبر معظم، مورد توجه قرار گرفته، چیزی فراتر از برگزاری انتخابات است و نگاه ویژه‌ای به‌تحقق خواست واقعی مردم، دارد. به‌عبارت دیگر، از منظر معظم‌له مردم‌سالاری دینی دارای دو بعد است؛ اول) بُعد تأسیسی: بدین معنا که مردم با حضور در صحنه و در کنار صندوق‌های رأی، در بنای نظام سیاسی و تعیین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

افرادی که بایستی مناصب و مسئولیت‌ها را عهده‌دار گردند، سهیم شده و در شکل‌دهی به امور اجرایی، مشارکت فعال می‌جویند. دوم) بُعد تحلیلی: بدین معنا که بین نظام سیاسی تأسیس شده و مردم، نوعی ارتباط معنوی برقرار باشد، که مردم، مجریان و نظام حاکم را تحقق‌بخش خواست‌ها، آرمان‌ها و اهداف عالی خویش ببینند. از طرفی دیگر و به‌طور حتم، ضرورت توجه به‌برتری پارادایم اسلامی با رویکرد مردم‌سالاری، نسبت به‌گفتمان غربی با رویکرد دموکراسی مشارکتی بایستی با دلایلی محکم و استوار همراه باشد، که پذیرش آن ضمن عقلانی بودن و در بر داشتن معرفت‌های علمی، متکی بر فلسفه اسلامی نیز باشد. در این راستا، اگرچه اسلام از یک معرفت غنی، معتبر و مبتنی بر هویت خاص خود برخورد است، اما ذکر دلایلی که این برهان و حجت را در اتفاق نظر اجتماعاتی از فلاسفه و اندیشمندان اسلامی جهت ارائه ادله ذاتی به اثبات برساند، می‌تواند ضرورت و برتری دین اسلام را بر گفتمان غربی مسجل و تثبیت نماید و در واقع برخی تضادهای موجود بین گفتمان اسلام با ویژگی مردم‌سالاری دینی و گفتمان غرب با ویژگی دموکراسی مشارکتی را آشکار و هویدا سازد (جدول شماره ۱):

ردیف	تشریح تضادهای بین دو نظریه
۱	در پارادایم مردم‌سالاری دینی، «آزادی» مفهومی اساسی و پر ارزش است، که نه‌تنها متفاوت و متمایز از تعریف مرسوم آن در پارادایم‌های سکولار است، بلکه در تضاد با آن قرار دارد.
۲	در میان ادیان ابراهیمی، اسلام تنها دینی است که تلاش دارد، تمامی حوزه‌های فـردی و حیات اجتماعی فرد مسلمان را پوشش نظری و عملی دهد. لذا، پارادایم غرب این‌گونه نیست و به‌طور صرف و علنی انسان را محور همه مسائل قرار می‌دهد.
۳	یکی از عناصر پارادایم مردم‌سالاری دینی وجود فعال عنصر متافیزیک در آن است. لذا در دموکراسی مورد نظر غرب با اصالت عینیت و تجربه و به‌دنبال آن اصالت رابطه علیّ، آن‌هم علیّ احتمالی، به‌طراحی یک نظام اجتماعی پرداخته می‌شود، که در آن هرگونه فعالیت انسانی در نظام اجتماعی خصیصه‌ای دنیوی را به‌دنبال داشته و با رویکرد کمّی قابل بررسی و ارزیابی خواهد بود.
۴	پارادایم مردم‌سالاری اسلامی ارزشمدار است و تمایز آن از پارادایم‌های رایج این است که ارزش–ها در پارادایم اسلامی مبانی الهی دارند، در واقع ارزش‌ها در مردم‌سالاری دینی، به‌فعال بودن ایده‌های اسلامی وابسته است. اما در دموکراسی مشارکتی این‌گونه نیست.
۵	ارزش‌های دینی در مردم‌سالاری اسلامی، حول ارزش‌های الهی است و جهان‌بینی اسلامی آن‌را تأیید می‌کند. اما در همه دموکراسی‌های غربی به‌ویژه دموکراسی مشارکتی، این حالت به‌هیچ وجه قابل قبول نیست.
۶	در اندیشه مردم‌سالاری دینی «دانایان» نسبت به «نادانان» مسئولیت بیشتری پیدا می‌کنند، لذا تفکر و عمل آنان نیز از اهمیت بیشتر برخوردار است. اما دموکراسی ایده‌آل مورد نظر غرب، خلاقیت انسان را منکوب کرده و مسئولیت دانایان را به‌صورت عینی به‌رسمیت نمی‌شناسد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۴- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیداست، هدف از ارائه و تهیه این مقاله؛ «نظریه مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی) » بود، که در آن توسط پژوهش‌گران الگوها و مدل‌های ارائه شده در مردم–سالاری دینی و نیز دموکراسی مشارکتی، مورد پژوهش قرار داده شد. بررسی‌های انجام شده مبین این بود که با واکاوی اندیشه‌های سیاسی نظریه‌پردازان غربی، مهمترین نکته پیش از هر چیز این بود، که دموکراسی و روش‌های دمکراتیک یکسان نبوده و می‌تواند تجلیات مختلف و متنوعی پیدا کند. اهمیت این بحث هنگامی افزون شد، که بررسی‌ها در این تحقیق نشان داد؛ در شرایط کنونی جامعه ایران اسلامی با موضوع مردم‌سالاری دینی مدنظر اندیشه‌های مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای و طراحی مبانی نظری آن، درباره مواردی اساسی از قبیل؛ قدرت، عدالت و آزادی در چالش و تضاد با مدل‌های دموکراسی، به‌ویژه دموکراسی مشارکتی قرار دارد. لذا مردم‌سالاری دینی مدنظر اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری با دموکراسی مشارکتی در بسیاری از موارد دارای اختلاف بود، چراکه یکی از ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی در نگاه مقام معظم رهبری(مدظلّه‌العالی)، بومی بودن مردم‌سالاری بود، که در یک نگاه کلی به این نتیجه رسیدیم که مردم سالاری دینی رویکردی به غرب ندارد و با دموکراسی مشارکتی نیز از نظر پیاده‌سازی اصول و مبانی ناب آن، دارای تضاد می‌باشد، چراکه مردم‌سالاری اسلامی نگاه خدامحوری به‌همه امور داشته، در حالیکه دموکراسی‌ها و به‌خصوص دموکراسی مشارکتی انسان را محور همه امور قرار داده است. علاوه بر آن، جهان‌بینی مردم‌سالاری دینی، هدایت اجتماعی به‌سوی منافع مادی و معنوی، دنیوی و اخروی همگام با یکدیگر است و قربانی کردن حیات اخروی به‌پای لذت‌های دنیوی را نمی‌پذیرد و اراده انسان‌ها مبتنی بر توافق عمومی و قرارداد اجتماعی را اصل و مبنای حرکت اجتماعی قرار نمی‌دهد و با محور قرار دادن اراده تشریعی الهی در قالب آموزه‌های وحیانی، اراده انسان‌ها را در طول و تابع اراده الهی قرار می‌دهد. با این فهم و درک که این حاکمیت، حاکمیتی مبتنی بر دین اسلام بود، دینی که مدعی پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها در تمامی زمان‌ها است و جامعیت آموزه‌های آن، در کلام الهی تصریح شده است.

لذا در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری وثیق دریافتیم که حتی دموکراسی مشارکتی، با وجود

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

نزدیکی بسیاری که با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی دارد، از همان هنگامه ظهور خود یعنی نیمه دوم قرن بیستم، تلاش داشت نواقص آن‌را برطرف نماید و برنامه‌ای کامل‌تر برای ارتقاء حیات مادی انسان به ارمغان آورد، اما در نهایت مشخص گردید، که این نوع دموکراسی به‌طور کلی، از نظر مبانی و اصول پایه‌ای، محتوایی و اساسی در تضاد با مردم‌سالاری دینی بوده و لذا، نظریه مردم‌سالاری دینی، به‌شیوه نظام‌سازی اسلام شیعه در عرصه سیاست و حکومت نیز اشاره داشته، که مبتنی بر جهانبینی توحیدی و محوریت و مدیریت حاکم الهی بوده و یکی از کارآمدترین ساز و کار اداره مادی و معنوی جامعه بر پایه ایدئولوژی اسلامی، است، چراکه این نظریه فارغ از حصر در چارچوب زمان و مکان، ریشه در حکومت اسلامی تأسیس شده توسط پیامبر(ص) دارد، از این رو هنگامی که سخن از مردم‌سالاری دینی به‌میان می‌آید، مراد بسط حکومت نبوی(ع) و علوی(ع) در نظام اسلامی مردم‌سالار است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

- منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- کتاب‌ها:

۱) آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ ۱۱، تهران، نشر نی.

۲) آربلاستر، آنتونی، (۱۳۹۲)، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، چاپ پنجم، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

۳) بیتهام، دیوید، (۱۳۸۳)، دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۶۱.

۴) بهرامی، قدرت‌الله و نظرپور، مهدی، (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۵) بشیریه، حسین، (۱۳۹۴)، گذار به‌دموکراسی، چاپ پنجم، تهران، نشر نگاه معاصر.

۶) لوبوزتی، جیانکا، (۱۳۶۷)، درس این قرن، ترجمه علی پایا، تهران، انتشارات طرح نو.

۷) هلد، دیوید، (۱۳۸۴)، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان.

۸) عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۳)، روان‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات دانژه.

۹) کوهن، کارل، (۱۳۷۳)، دموکراسی، تهران، ترجمه فریبرز مجیدی، نشر خوارزمی.

۱۰) کوهن، آلوین استانفورد، (۱۳۹۶)، تئوری‌های انقلاب، چاپ بیست و چهارم، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر قومس.

۱۱) کانینگهام، فرانک، (۱۳۹۷)، نظریه‌های دموکراسی(مقدمه‌ای انتقادی بر نظریه‌های متأخر دموکراسی)، ترجمه سعید خاوری‌نژاد، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.

۱۲) قربانی، امیر، (۱۳۹۵)، مقالات سیاسی(فلسفه سیاسی۱)، تهران، نشر خانه کتاب.

۱۳) زکریا، فرید، ۱۳۸۷، آینده آزادی؛ اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی، ترجمه امیر حسین نوروزی، تهران، انتشارات طرح نو.

۱۴) میراحمدی، منصور، (۱۳۹۳)، اسلام و دموکراسی مشارکتی، تهران، نشر نی.

- مقالات:

۱) ایمان، محمدتقی و کلاته‌ساداتی، احمد، (۱۳۹۳)، مقایسه مؤلفه‌های پارادایمی در لیبرال دموکراسی و مردم‌سالاری اسلامی با تأکید بر مفاهیم انسان و آزادی، تهران، انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۲) رهبر، عباسعلی و نعیمی، سیدمجتبی، ۱۳۸۷، تبیین منطقی مردم‌سالاری دینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره۱، شماره۲.

۳) قوی، نیره، (۱۳۹۴)، ظرفیت شناسی مردم‌سالاری دینی در اندیشه متفکران اهل سنت، تهران، فصلنامه سیاست، دوره۴۵، شماره۴.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

۴) عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۹)، مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد، شمار۲۱.
۵) ساداتی‌نژاد، سیدمهدی و شیرازی، علی، (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای مبانی معرف شناختی در نظریه مردم‌سالاری دینی و نظریه دموکراسی مشارکتی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره) و یورگن هابرماس، تهران، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علـــوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره۳.
۶) شفیعی‌فر، محمد، ۱۳۸۴، دموکراسی و عدالت اجتماعی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره۱.
۷) عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۹)، مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد.
۸) عمادی، عباس، (۱۳۹۳)، دموکراسی، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، حاکمیت مردم، مشروعیت سیاسی، نظامی سیاسی، علوم سیاسی، تهران، فصلنامه سیاسی پژوهشکده باقرالعلوم(ع).
۹) خرمشاد، محمدباقر و امینی، پرویز، (۱۳۹۶)، الگویی پیشنهادی برای تبیین نظریه مردم‌سالاری دینی آیت‌الله خامنه‌ای، تهران، فصلنامه علوم سیاسی، سال۲۰، شماره ۷۷.
۱۰) راد، فیروز و ایور، هژار، ۱۳۹۶، بررسی عوامل اجتماعی جامعه‌پذیری سیاسی با میزان گرایش به‌دموکراسی، تهران، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره۳۷.
۱۱) مرادیان‌مرادحاصلی، بهزاد و حامدبابایی، موسی، (۱۳۹۶)، فرماندهی و مدیریت مطلوب از منظر مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای با در نظر گرفتن الگوهای مردم‌سالاری دینی، تهران، فصلنامه دفاعی و راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱) نبوی، سیدمرتضی، (۱۳۸۳)، مردم‌سالاری دینی و گونه‌های دیگر دموکراسی، تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد، شماره ۳۲.
۲) نوروزی، محمدجواد، (۱۳۹۱)، نظام سیاسی اسلام، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۳) نوذری، حسینعلی و ایمانی، علی، (۱۳۹۷)، وجوه دموکراتیک نظام سیاسی مطلوب در نظریه سیاسی ایمانوئل کانت و یورگن هابرماس، تهران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۴۴.

ب- منابع انگلیسی:

4) Cohen Joshua (1996), "Procedure & Substance in Deliberative Democracy, in Democracy & Difference", Contesting the Boundaries of the Political.
5) Choudhury, M.A. (1995)"Ethics and Economics: A View From Ecological Economics", International Journal of Social Economics, Vol. 22, no. 2.
6) Miller Daid, (1987)"The Blackwell Ency Clopeadia Of Political Thought", Oxford Publishing Center.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]

7) Martin Lipset, (1960)"Political Man", London, Heinemann. Educational.
8) Rawls, John, (1972)"The Theory Of Justice", Oxford University Press.
9) Feldman, Noah, (2005)"Divided By God(American,s Church- State Problem)", Amazon.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۳۰۷

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

مرادیان، بهزاد؛ آذین، احمد؛ جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۹)، «نظریه مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای(مدظلّه‌العالی)» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۳، پاییز ۹۹، صص ۲۲۳– ۱۹۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.3.1.6]